

پذیرش رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد در انگلستان

مصطفی حسینی* (گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

چکیده

جستار حاضر مبانی نظری پذیرش ادبی را از منظر پراور تطبیق‌گر آمریکایی، تبیین می‌کند و سپس نظرات او را بر پذیرش رباعیات عمر خیام در انگلستان اعمال می‌کند. پذیرش رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد مانند هر اثر ادبی دیگر در انگلستان با فراز و فرودهایی همراه بوده است. این مجموعه شعر در ابتدا با اقبال چندانی مواجه نشد، اما به تدریج به کمک عواملی چند مقبول طبع انگلیسی‌ها افتاد. مطابق یافته‌های این تحقیق عواملی مانند کیفیت ترجمه، کتاب‌گزاری‌های ادبی، تقریظ‌های اهل قلم، انجمن‌های ادبی و هنری، ناشران، نظیره‌ها و نقیضه‌ها، چاپ‌های غیرمجاز و چاپ‌های مصور هر یک به نوعی مسیر اقبال ادبی رباعیات خیام را که در ابتدا مغفول مانده بود هموار کردند تا جایی که این ترجمه بومی شد و در زمره آثار اصیل انگلیسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: پراور، ادبیات تطبیقی، رباعیات عمر خیام، پذیرش ادبی، تطبیق‌گر

* نویسنده مسئول mhosseini@basu.ac.ir

۱. مقدمه

حکیم عمر خیام نشابوری یکی از شگفتی‌های شعر جهان است، چراکه او سراینده اشعاری موجز و پرمغز است. اشعار این فیلسوف شاعر که در کمال ایجاز سروده شده‌اند پرده از اسرار نهفته دل آدمیان بر می‌گیرند. بی‌تردید، این رباعیات که پیر نشابور دور از اغیار در خلوت متفکرانه‌اش سرود از پخته‌ترین و سنجیده‌ترین نمونه‌های شعر جهان به‌شمار می‌آیند. خیام در سپهر شعر جهان یگانه است، زیرا تنها شاعری است که با این حجم اندک اشعار توانسته است به شهرتی عالم‌گیر دست یابد. بدیهی است که این شهرت جهانی که منتهای آمال هر شاعری است، از سویی وام‌دار ترجمه اقتباس‌گونه و چیره‌دستانه ادوارد فیتزجرالد و از دیگری سو مرهون مضامین جهان‌شمول خود رباعیات است (یوسفی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷). از رهگذر این ترجمه شاعرانه بود که شعر خیام از گوشه خاموشی و فراموشی به در آمد و خوش درخشید، و فیتزجرالد گوشه‌گیر نیز برای خود اسم و آوازه‌ای جهان‌شمول یافت.

بی‌گمان رباعیات خیام یکی از مشکلات لاینحل ادبیات کلاسیک پارسی است، چراکه در انتساب این رباعیات به عمر خیام شک و تردیدهای بسیار وجود دارد. تردید از اینجا آغاز می‌شود که خیام در دوران حیاتش به شاعری نامدار نبود و هیچ یک از معاصرانش در باب شاعری او سخنی نگفته‌اند (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۴، ص. ۷). تازه، تقریباً صد سال پس از مرگ اوست که به اولین اشاره و نقل یک رباعی از او بر می‌خوریم. به‌علاوه، از این روزگار به بعد است که در خلال متون مختلف یک یا چند رباعی از او نقل شده است. این متون عبارت‌اند از: آثار و منابع تاریخی، متون و کتب عرفانی، و جنگ‌ها و سفینه‌های ادبی که نفیاً و اثباتاً به اشعار او استناد می‌کنند. شایان ذکر است که نزدیک به سه قرن بعد از مرگ خیام است که مجموعه رباعیات او یکی پس از دیگری تدوین و گردآوری می‌شود. غرض پژوهش حاضر این است که پذیرش رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد را در انگلستان عصر ویکتوریا بررسی کند. مراد از پذیرش ادبی، مطابق روش تحقیق در

ادبیات تطبیقی، عبارت است از بررسی سیر مقبولیت یا عدم مقبولیت اثری ادبی در فرهنگ مقصد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پذیرش ادبی شاعر یا نویسنده‌ای در فرهنگ و زبانی دیگر در قلمرو تحقیقات دو رشته نسبتاً نوپا یعنی ادبیات تطبیقی و مطالعات ترجمه قرار می‌گیرد. تا آنجا که نویسنده بررسی کرده است به‌طور گذرا در خلال برخی مقالات یا کتاب‌های فارسی به اقبال به شعر خیام در انگلستان و گاه آمریکا به‌طور کلی‌گویانه و ژورنالیستی اشاره شده است، اما پژوهش‌های روش‌مند و مبتنی بر نظریه‌های ادبیات تطبیقی و مطالعات ترجمه درباره پذیرش رباعیات خیام در انگلستان به زبان فارسی انجام نشده است. البته در زبان انگلیسی در این باب پژوهش‌های چندی صورت گرفته است که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. غالب این پژوهش‌ها در سالیانی، اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، انجام شده است که این دو رشته، خاصه مطالعات ترجمه، هنوز چندان مقبول و تکامل یافته نبودند. به‌علاوه، بسیاری از این تحقیقات یا به دوره خاصی محدود می‌شود یا تمامی عوامل مؤثر در پذیرش ادبی یک اثر یا یک شاعر را لحاظ نمی‌کند و قلم‌انداز به یکی دو فقره اشاره می‌کند و از مابقی می‌گذرد. از همه مهم‌تر اینکه، این پژوهش‌ها چندان به مبانی نظری دو رشته مذکور اعتنایی ندارند. امتیاز مقاله حاضر این است که می‌کوشد بر اساس مبانی نظری و به‌طور روش‌مند به پذیرش ادبی این اثر ادبی بپردازد.

آلفرد مکنلی تریون در کتاب *زندگینامه فیتزجرالد مترجم رباعیات عمر خیام*^۱ (۱۹۴۷)، در فصلی تحت عنوان «سرگذشت رباعیات عمر خیام» (ص. ۲۰۴-۲۱۴) داستان‌گونه، چنان‌که از عنوان این فصل دانسته می‌شود، در قالب روایتی گیرا به فراز و فرود پذیرش رباعیات خیام در انگلستان پرداخت و به دو سه عامل که در رونق و وراج این اثر تأثیرگذار بود اشاره کرد. آرتور جان آربری در کتاب *سرگذشت*

1. The life of Edward FitzGerald, Translator of the Rubáiyát of Omar Khayyám

رباعیات^۱ (۱۹۵۹) که عنوان آن برگرفته از کتاب آ. م. تره‌یون است، در سرآغاز کتاب تحت عنوان «مقاله مقدماتی» (ص. ۱۳-۳۹) به سروقت این موضوع رفت: «در این اوراق برآنم تا تاریخچه پذیرش رباعیات را بررسی کنم. از تابستان ۱۸۵۶ که کاول اولین بار فیتزجرالد را با خیام آشنا کرد، تا بهار ۱۸۵۹ و پا نهادن شعر او به جهان، بی آن که توجه کسی را برانگیزد» (آربری، ۱۹۵۹، ص. ۱۳). چنان که ملاحظه کردید، گستره پژوهش آربری فقط سه سال را در بر می‌گیرد. امین رضوی (۲۰۰۵) در فصل هشتم کتاب *صهبای خرد: زندگی، شعر، و فلسفه عمر خیام*^۲ با عنوان «خیام در غرب»، به پذیرش (طرد یا قبول) رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد در انگلستان، آمریکا، آلمان، فرانسه و هلند می‌پردازد. بخش پذیرش رباعیات در آمریکا از بقیه کشورهای مذکور (انگلستان، آلمان، فرانسه، و هلند) مفصل‌تر است. در قسمت مربوط به پذیرش رباعیات در انگلستان نویسنده فقط بر نقش دو نهاد ادبی هنری (انجمن پیش‌رافائلیان و انجمن عمر خیام) تأکید کرده و به عوامل متعدد و مهمی که در ترویج و تثبیت رباعیات در انگلستان سهم بزرگی داشته‌اند، مانند نقش کتابگزاری‌ها، ادبا، شعرا و اهل قلم، ناشران، آزاداندیشان و مخالفان منافع امپراتوری انگلستان در هند، و چاپ‌های قاچاقی اشاره نکرده است.

دامنه پژوهش در ادبیات تطبیقی بسیار گسترده‌تر از ادبیات ملی است. تطبیق‌گران قلمرو پژوهش در ادبیات تطبیقی را به حوزه‌های متعددی تقسیم می‌کنند. یکی از این حوزه‌ها که گسترده‌ترین قلمرو پژوهش در مطالعات تطبیقی نیز به‌شمار می‌رود، روابط ادبی یعنی بررسی تأثیرها و شباهت‌هاست. گفتنی است برخی از تطبیق‌گران بررسی تأثیرها و شباهت‌ها را دو هدف اصلی مطالعات تطبیقی می‌دانند. از منظر فرانسوا یوست^۳، یکی از بنیانگذاران مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، این حوزه تحقیق به بخش‌های کوچک‌تری نظیر منبع یا منابع الهام^۴ (الهامات یا اطلاعاتی که از

1. The Romance of the Rubaiyat

2. The Wine Of Wisdom: The Life, Work, And Legacy Of Omar Khayyam

3. Francois Jost

4. source of inspiration

رهگذر نویسندگان یا آثار خارجی اخذ و فربه می‌شود)، اقبال و پذیرش^۱ (پذیرش یا توفیق یا تأثیری که ادبیات یک کشور از ادبیات کشور دیگری کسب می‌کند) و تصویر یا سراب^۲ (ایده درست یا نادرست که ملتی از ادبیات ملت دیگری دارد) تقسیم می‌شود (یوست، ۱۹۷۴، ص. ۳۴).

هدف این جستار تبیین مبانی نظری پذیرش ادبی از منظر پراور^۳، تطبیقگر برجسته آمریکایی است. سپس این نظرات بر پذیرش رباعیات عمر خیام در انگلستان اعمال می‌شود. ناگفته نماند که راقم این سطور چند مورد بر موارد پیشنهادی پراور نیز افزوده است. زیگبرت سالمن پراور (۱۹۲۵-۲۰۱۲) در سال ۱۹۲۵ در خانواده‌ای یهودی در آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۹، وقتی که پراور چهارده ساله بود، به انگلستان مهاجرت کردند. پراور تحصیلاتش را در انگلستان ادامه داد و بعدها بر کرسی استادی ادبیات آلمانی و ادبیات تطبیقی دانشگاه آکسفورد تکیه زد. وی صاحب تألیفات متعددی در زمینه ادبیات آلمانی و ادبیات تطبیقی است. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آثار او کتاب ارزشمند *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*^۴ (۱۹۷۳) است. این کتاب از معتبرترین کتاب‌های درسی کلاسیک رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های معتبر جهان به‌شمار می‌رود.

پراور معتقد بود که برای فهم ادبیات خارجی نخست باید ادبیات ملی خود را نیک فهمید:

مطابق تجربه معلمی من، در بریتانیای کبیر، آلمان، و ایالات متحده، کسانی درک درستی از ادبیات و فرهنگ خارجی دارند که شناخت عمیقی از ادبیات خود داشته باشند، و این نگرش که «از انگلستان چه می‌فهمند، آنان که تنها انگلستان را می‌شناسند؟»، علاوه بر جغرافیا، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در محافل ادبی نیز مقبول است و مصداق دارد. (پراور، ۱۹۷۳، ص. ۹)

1. fortune or reception
2. image or mirage
3. Siegbert Salomon Prauer
4. Comparative Literary Studies: An Introduction

۳. روش تحقیق

از منظر پراور بررسی پذیرش ادبی نقش مهمی در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دارد. به‌علاوه، انجام این دست مطالعات به تجربه و تخصص نیاز دارد. این گونه مطالعات در دست افراد ناآشنا با ادبیات تطبیقی به‌آسانی به فهرستی سطحی ختم می‌شود، یعنی به تدوین گزارشی مملو از اسامی و عناوین، آمار و ارقام، تاریخ چاپ و نام مترجمان و ناشران خواهد انجامید. حال آنکه لازمه چنین پژوهش‌هایی باریک‌بینی، پُرمایگی، روش‌مندی و تحلیل عالمانه شرایطی است که اقبال ادبی در آن رخ داده است (پراور، ۱۹۷۳، ص. ۳۱). بی‌گمان پذیرش یک نویسنده در فرهنگ دیگر همواره با فراز و فرودهایی همراه است. برای انجام این کار، مطابق روش تحقیق در ادبیات تطبیقی، تطبیقگر باید مراحل زیر را طی کند: اول اینکه، تطبیقگر باید فهرستی از ترجمه‌های آثار نویسنده مفروض را به‌ترتیب تاریخ نشر تهیه کند، سپس تمامی مقالات و نقدهایی را که بر آن‌ها نوشته شده گردآوری و به‌دقت تحلیل کند. دوم اینکه، او باید به تحلیل شرایطی بپردازد که اقبال ادبی در آن رخ داده است، به عبارت دیگر ذائقه ادبی و زندگی فرهنگی و اجتماعی کشور مقصد را طی این سال‌ها مد نظر قرار دهد. سوم اینکه، او باید به نقش دیگر رسانه‌های مانند سینما، رادیو، و تلویزیون که در اشاعه آوازه یک اثر مؤثرند نیز توجه کند. چهارم اینکه، تطبیقگر باید نقش عواملی مانند کیفیت ترجمه، کتابگزاری‌های ادبی، تقریظ‌های اهل قلم، انجمن‌های ادبی و هنری، ناشران، نظیره‌ها و نقیضه‌ها، چاپ‌های غیرمجاز، و چاپ‌های مصور را نیز لحاظ کند (پراور، ۱۹۷۳، ص. ۳۱). گفتنی است که همه این موارد لزوماً در باب پذیرش اثر ادبی اتفاق نمی‌افتد. ژرار ژنت^۱ نیز با پراور هم نظر است و معتقد است که افزون بر متن ترجمه‌شده، باید به عوامل فرامنتی^۲ در پذیرش اثر نیز توجه داشت. ژنت عناصر فرامنتی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: عناصر درون‌متنی^۳ (مطالبی که مترجم یا ناشر به اثر ترجمه‌شده اضافه می‌کند مانند مقدمه،

1. Gérard Genette
2. paratexts
3. peritexts

مؤخره، اهداءنامه، طرح روی جلد و ...) و عناصر برون‌متنی^۱ (مطالبی که در داخل همان مجلد منتشر شده وجود ندارد مانند کتابگزاری‌ها که دیگران آن‌ها را می‌نویسند). از منظر ژنت این عوامل نقش مهمی در ترویج و رونق اثر ترجمه شده دارد (ژنت، ۱۹۹۷، ص. ۱۲). افزون بر این‌ها، در ترجمه اثر ادبی، «رویکرد مترجم نسبت به سپهر گفتمان متن اصلی پلی است در ارتباط با سپهر گفتمان جامعه مقصد، [و] عامل مهمی در بازنمایی تصویر آن اثر و نیز رد و پذیرش ترجمه آن در جامعه مقصد به‌شمار می‌رود» (شریفی، ۱۳۹۷، ص. ۳).

حالی از فایده نخواهد بود که پذیرش رباعیات عمر خیام فیتزجرالد در انگلستان را به‌عنوان شاهد مثال ذکر کنیم و برخی از موارد مذکوری را بررسی کنیم که مسیر پذیرش آن را که در ابتدا مغفول مانده بود هموار کردند. از آنجا که در جستاری دیگر برخی از موارد مذکور را بررسی کرده‌ایم (رک. انوشیروانی و حسینی، ۱۳۹۰) در این نوشتار فقط به مورد چهارم یعنی نقش عواملی مانند کیفیت ترجمه، کتابگزاری‌های ادبی، تقریظ‌های اهل قلم، انجمن‌های ادبی و هنری، ناشران و مؤسسه‌های انتشاراتی، نظیره‌ها و نقیضه‌ها، چاپ‌های غیرمجاز، و چاپ‌های مصور می‌پردازیم.

۴. نتایج و بحث

درست است که نویسندگان و شاعران انگلیسی از قرون وسطا بدین‌سو با مضامین آثار ایرانی آشنا شدند، اما از یاد نباید برد که آشنایی آنان با زبان و ادبیات پارسی از رهگذر زبان‌های میانجی مثل لاتین، آلمانی، فرانسه و حتی ایتالیایی بود. مطالعات ایرانی به‌طور آکادمیک در انگلستان در اوایل قرن هفده با تأسیس کرسی زبان عربی در دو دانشگاه معتبر آکسفورد و کیمبریج آغاز شد. اما به‌طور جدی‌تر اواخر قرن هجده بود که به‌تدریج آثار شاعران و نویسندگان ایرانی به انگلیسی ترجمه شد. این امر از سویی مرهون تسلط و تبحر زبان‌شناختی و ادبی سر ویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴)، و از دیگر سو به‌خاطر این حقیقت بود که زبان فارسی زبان رسمی دربارهای

1. epitexts

هند بود. هیچ‌یک از شاعران بزرگ و کوچک دورهٔ رمانتیک انگلستان که اوج شکوفایی شعر انگلیسی نیز به‌شمار می‌رود، از پرس‌ی شلی و لرد بایرن گرفته تا سمونل تیلر کولریج و رابرت ساوژی با زبان فارسی آشنایی چندانی نداشتند. از این رو، اقتباس‌ها و برداشت‌های آنان از مضامین شعر فارسی بسیار محدود و سطحی و مهم‌تر اینکه ناظر به ترجمه از زبان‌های واسطه، به‌ویژه آلمانی، بود. در دورهٔ ویکتوریا (۱۸۳۲-۱۹۰۱) بود که نویسندگان و شاعران انگلیسی بدون واسطه با زبان و ادبیات فارسی آشنا شدند و به‌جد کوشیدند که از محتوای شعر فارسی و تا حد اندکی از فرم آن اخذ و اقتباس کنند. بی‌هیچ شک در میان آثار فارسی رباعیات عمر خیام درازدامن‌ترین تأثیر را بر زندگی و ادبیات دورهٔ ویکتوریای انگلستان داشته است.

تا آنجا که می‌دانیم مستشرق انگلیسی، تامس هاید، نخستین پژوهشگر غربی بود که یک رباعی منسوب به خیام را به لاتین ترجمه کرد. پس از او، به احتمال قوی، هنری جرج کین برای اولین بار رباعی‌ای از عمر خیام را به انگلیسی ترجمه کرد. کم‌کم ترجمهٔ مجموعه‌ای از رباعیات خیام به انگلیسی رونق بازار پیدا کرد. لویزا استوارت کاستلو نخستین مترجم انگلیسی بود که مجموعه‌ای از رباعیات خیام را در قالبی منظومه‌مانند به انگلیسی ترجمه و در کتاب *باغ گل پارسی* کرد. پس از او سر گور اوزلی در کتاب *نکاتی دربارهٔ زندگینامهٔ شاعران فارسی* که در سال ۱۸۴۶ پس از مرگش منتشر شد، چند رباعی از خیام را به انگلیسی ترجمه کرد. در سال ۱۸۵۸ ادوارد بایلز کاول مقالهٔ مهمی دربارهٔ خیام، به‌همراه ترجمهٔ ۳۲ رباعی او با عنوان «عمر خیام، منجم شاعر ایرانی»، در مجلهٔ کلکته (۱۸۵۸، شماره ۳۰، ص. ۱۴۹-۱۶۲) منتشر کرد.

پس از این مترجمان نوبت به ادوارد فیتزجرالد می‌رسد. فیتزجرالد تا پایان عمرش نزدیک سه دهه (۱۸۵۶-۱۸۸۳) پیوسته روی رباعیات عمر خیام کار می‌کرد. گاه تعداد رباعیات را کم و زیاد می‌کرد، گاه ترتیب و چینش آن‌ها را پس و پیش می‌کرد و گاه الفاظ و عبارات آن‌ها را تغییر می‌داد. در دوران حیاتش چهار ویرایش از رباعیات عمر خیام را بی‌نام منتشر کرد. اولین چاپ که مشتمل بر ۷۵ رباعی بود، در

سال ۱۸۵۹ بدون ذکر نام، در مجلدی ساده به همراه مقدمه و مؤخره‌ای منتشر شد. چاپ دوم، چاپ سال ۱۸۶۸، شامل ۱۱۰ رباعی بود، اما در چاپ سوم و چهارم که به ترتیب در سال ۱۸۷۲ و ۱۸۷۹ منتشر شد، تعداد رباعی‌ها به ۱۰۱ رباعی کاهش یافت. پس از مرگ فیتزجرالد، دوستش ویلیام الیس رایت، در یک قوطی حلبی نسخه چاپ‌شده متن ۱۷۸۹ را پیدا کرد که فیتزجرالد در آن نیز تغییراتی داده بود. این چاپ، پنجمین و آخرین متن بازبینی شده، در ۱۸۸۹ در کتاب نامه‌ها و آثار پراکنده ادوارد فیتزجرالد (۳ جلد) منتشر شد، و برای اولین بار نام او به عنوان مترجم رباعیات عمر خیام بر آن ذکر شد. اکنون بهتر است به پذیرش رباعیات خیام در انگلستان و عواملی پیردازیم که در ترویج و پذیرش (مراد مقبولیت یا عدم مقبولیت) این ترجمه تأثیرگذار بودند. بی‌گمان توفیق شعر خیام معلول علل عام و خاص چندی است. یکی از مهم‌ترین علل عام «کامیابی رشکانگیز و حُسن قبول بی‌سابقه خیام آینه‌ای است که او در برابر غریبان نهاد تا آنان تصویر سرگشتگی‌ها و درماندگی‌های خود را به عیان در آن ببینند - تو گویی خیام از ذهن و زبان آنان سخن می‌راند» (حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۴). سایر علل خاص عبارت‌ند از:

۴. ۱. کیفیت ترجمه

یکی از عواملی که در اشاعه پذیرش یک اثر ادبی در فرهنگ مقصد مؤثر است کیفیت ترجمه است (پروان، ۱۳۹۷، ص. ۴۱). بدیهی است که ترجمه‌ای هنرمندانه تا چه اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد. ناگفته نماند که ترجمه شعر در سنجه با دیگر آثار ادبی (رمان و نمایش‌نامه) از جنس دیگری است. زیرا ترجمه شعر به علت موسیقی کلمات، چیدمان الفاظ و عبارات، صناعات لفظی و معنوی، و از همه مهم‌تر، تقید به فرهنگ مبدأ سخت‌ترین نوع ترجمه ادبی است. جدا از این‌ها، مترجم شعر همواره با یک انتخاب دشوار مواجه است: شعر را به شعر ترجمه کند یا به نثر؟ فیتزجرالد شعر پارسی را به شعر انگلیسی برگردان کرده است. جملگی برآنند که ترجمه فیتزجرالد

یکی از بهترین ترجمه‌هایی است که تا کنون از شعر فارسی، و توسعاً شعر شرق، به زبان انگلیسی صورت گرفته است. به گفته چارلز الیت نورتن^۱ (۱۸۶۹)

فیتزجرالد ... را باید «مترجم» نامید فقط به این علت که لفظ دیگری نمی‌توان یافت. او روح شاعرانه را از یک زبان به زبان دیگر درآورده و در قالب تازه‌ای منتقل کرده که یکسره از قالب سابق آن متفاوت نیست، به‌علاوه آن را با مقتضیات زمانی، مکانی، عادات و رویه فکری بافت جدید سازگار کرده است. در سرتاسر تاریخ ادبیات ما به‌سختی می‌توان نمونه درخشان‌تری از این ترجمه منظوم استادانه، از مترجمی ناشناخته، از شعر شرق سراغ گرفت. این ترجمه تمام ویژگی‌های یک متن اصلی ممتاز را داراست و شکوه آن بهترین دلیلی است که می‌توان بر عظمت و اهمیت شاعر ایرانی اقامه کرد. بی‌شک، رباعیات عمر خیام کار یک شاعر است که ملهم از شاعر دیگری است؛ تقلیدی از آن نیست، بلکه بازسرایی آن است؛ ترجمه نیست، بلکه بازآفرینی الهامی شاعرانه است. حیرت‌آور است که افکار و عواطف شاعر ایرانی این قدر به افکار و عواطف امروز ما نزدیک است. از این رو، این شعر در کسوت انگلیسی‌اش بیانگر اولین و آخرین تحیر و تردید نسلی است که ما خود بدان تعلق داریم. احتمالاً در میان انبوه ترجمه‌ها یا اقتباس‌های انگلیسی از شعر شرق ترجمه‌ای وجود ندارد که بتواند با این مجلد موجز پهلو بزند. شیوایی و پیراستگی این ترجمه، فصاحت لفظ و بلاغت معنا با قدرت تخیل و نیروی معنوی کاملاً مطابقت دارد. (نورتن، ۱۸۶۹، ص. ۵۷۵)

بنابراین، کیفیت این ترجمه سبب شد که مردم آن را به‌عنوان شعر بپذیرند و نسل به نسل آن را انتقال دهند.

۴.۲. معرفی و نقدگونه‌های ادبی

بی‌شک معرفی و نقدگونه‌های ادبی^۲ نقش مهمی در آگاهانیدن عامه مردم درباره تازه‌های نشر و همچنین آماده کردن طیف‌های مختلف خوانندگان برای اقبال به یک

1. Charles Eliot Norton

2. literary reviews

اثر خاص دارند. یکی از روش‌های بررسی اقبال و پذیرش اثری خاص از رهگذر معرفی و نقدگونه‌های نوشته‌شده بر آن اثر حاصل می‌شود، زیرا معرفی و نقدگونه‌ها در واقع مجموعه‌ای از واکنش‌های مثبت و منفی نسبت به نویسنده یا متنی و در مورد ترجمه، بخشی از نقد ترجمه را آشکار می‌کنند (ماندی، ۲۰۰۸، ص. ۱۵۵). در ابتدا معرفی و نقدگونه‌های جدی بر ترجمه فیتزجرالد نوشته نشد و این اثر چنان که شایسته آن است نقد و معرفی نشد. تازه یک دهه بعد در ۱۸۶۹، یعنی یک سال پس از انتشار ویرایش دوم رباعیات، چارلز الیت نورتن مقاله‌ای (نقد و معرفی گونه‌ای) ستایش‌آمیز درباره این ترجمه در *نورث امریکن ریویو*^۱ (مجله آمریکای شمالی، ۱۸۹۶، شماره ۱۰۹، ص. ۵۶۵-۵۸۴) منتشر و توجه محافل ادبی آمریکا را بدان جلب کرد. پس از آن که این معرفی و نقدگونه‌های علاقه بسیاری از آمریکایی‌ها را برانگیخت به تدریج توجه بسیاری از خوانندگان انگلیسی را نیز به خود جلب کرد، و در ترویج اثر فیتزجرالد بیش از هر اثر دیگری مؤثرتر واقع شد (بیخستراتن، ۲۰۱۵). بنابراین، بسیاری از افراد در صدد برآمدند نسخه‌ای از رباعیات را تهیه کنند. شایان ذکر است که چارلز الیت نورتن در این معرفی و نقدگونه مفصل ترجمه فیتزجرالد را با ترجمه فرانسوی رباعیات به قلم نیکلا مقایسه و به‌علت کیفیت خوب ترجمه فیتزجرالد آن را تحسین کرده بود. به‌علاوه، نویسنده به تعدادی از رباعیات استناد جسته و کوشیده بود توجه خوانندگان را بدان جلب کند.

۴. ۳. اهل قلم^۲ (شاعران و نویسندگان)

اهل قلم (شاعران، نویسندگان، مترجمان و...) با نوشتن تقریظ یا تقدیمه می‌توانند به رواج اثر کمک شایانی کنند. این امر از دیرباز در حوزه‌های ادبی مرسوم بوده است. آلفرد لرد تینسن، ملک‌الشعراء دوره ویکتوریا، یکی از این افراد بود که با تقدیم شعری به فیتزجرالد و تمجید از ترجمه او در این راه گام بلندی برداشت (آربری،

1. North American Review

2. littirati

۱۹۴۷، ص. ۱۳). تنیسن در سال ۱۸۸۵ مجموعه اشعار تیرزیاس و سایر اشعار^۱ را منتشر کرد که در آغاز آن شعری به نام «تقدیم به ا. فینزجرالد»^۲ وجود داشت و تنیسن دیگر بار، البته دو سال پس از مرگ او، از ترجمه ناب دوست دیرینش ستایش‌ها کرده بود، «اما فیتز پیر در سال ۱۸۸۳ در گذشته بود، و ستایش بلیغ ملک الشعراء خیلی دیر هنگام بود تا او را در آخرین روزهای غم‌انگیز زندگیش تسلی بخشد» (آربری، ۱۹۴۷، ص. ۱۳). درست است که این تمجید دیر هنگام بود و در آن ایام فیتزجرالد زنده نبود تا از ستایش صادقانه تنیسن، مثل بار اول، متعجب و محظوظ شود، اما تمجید ملک الشعراء در رواج و گسترش شعر او در میان نسل‌های بعدی بی‌گمان تأثیر زیادی داشت زیرا «وقتی که در سال ۱۸۸۵ آلفرد لرد تنیسن مجموعه شعر تیرزیاس و سایر اشعار را به فیتزجرالد تقدیم کرد، از رهگذر این اثر در بریتانیای کبیر علاقه روزافزون به رباعیات آغاز شد و به چنان ابعادی رسید که اکنون معروف همگان است و مجامع انگلیسی زبان بدان استشهاد می‌کنند» (مین، ۱۹۴۷، ص. ۵).

۴. ۴. انجمن‌های ادبی و هنری

انجمن‌های ادبی و هنری به خاطر جایگاهی که در جامعه ادبی هر کشوری دارند می‌توانند مسیر اشاعه یک اثر ادبی را هموارتر و پراکنش آن را تسریع کنند. انجمن پیش‌رافائلیان^۳ و انجمن عمر خیام^۴ در رواج شهرت ترجمه فیتزجرالد در انگلستان نقش به‌سزایی داشت. دانتی گبریل رزتی^۵ را به حق باید یکی از اولین مروجان رباعیات دانست. رزتی از بنیان‌گذاران انجمن پیش‌رافائلی بود. این انجمن عمر کوتاهی داشت، اما اهداف آن‌ها در نقاشی‌های برن‌جونز^۶، طرح‌های ویلیام موریس^۷،

1. Tiresias and Other Poems
2. To E. FitzGerld
3. Pre-Raphaelite Brotherhood
4. Omar Khayyam Club
5. Dante Gabriel Rossetti
6. Edward Burn-Jones
7. William Morris

آثار جان راسکین^۱ و اشعار رزتی و الگرنن چارلز سوینبرن^۲ ادامه یافت. اعضای انجمن پیش‌رافائلی مسحور رباعیات بودند «زیرا رباعیات دربرگیرنده همه ویژگی‌هایی بود که اساس این جنبش را تشکیل می‌داد» (امین رضوی، ۲۰۰۵، ص ۲۵۶). این ترجمه توسط رزتی به دست سوینبرن رسید «که تمام هفتاد و پنج رباعی را به زودی حفظ کرد که نه تنها همه را پشت سر یکدیگر از بر می‌خواند، می‌توانست که آن‌ها را سطر به سطر از آخر تا به اول نیز بخواند، یعنی از مصراع سیصدم و بعد دویست نود و نهم و همین‌طور تا اول» (مینوی، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۳). سپس، سوینبرن نسخه‌ای از آن را شادمانه نزد جرج مریدیت^۳ برد. موریس و برن‌جونز نسخه‌ای از رباعیات را بر روی چرم ساغری نوشتند و تذهیب کردند، و در سال ۱۸۷۲ آن را به جورجیانائ، همسر برن‌جونز، هدیه دادند. به این ترتیب، پیش‌رافائلیان به اشاعه رباعیات همت گماشتند. حق با آربری است که می‌نویسد «اگر ترجمه فیتزجرالد تصادفاً مورد رغبت نقادان زبردست هم‌عصر وی واقع نمی‌شد به احتمال زیاد مقامی پست در میان ادبیات فراموش‌شده و ناچیز دوره ویکتوریا پیدا می‌کرد» (آربری، ۱۹۵۹، ص. ۶۸). بنابراین، اعضای انجمن پیش‌رافائلیان، هریک به نحوی از انحاء، به ترویج این ترجمه کمک شایانی کردند و آن را از افتادن در بوتۀ فراموشی نجات دادند.

از آخرین کوشش‌های انجام شده در اواخر این قرن برای رواج هرچه بیشتر رباعیات تأسیس انجمن عمر خیام بود. کم‌کم قرن نوزده داشت به پایان می‌رسید که در ۱۴ اکتبر ۱۸۹۲ گروهی از نجیب‌زادگان بریتانیایی، که از طرفداران رباعیات بودند، انجمن عمر خیام لندن را بنیاد نهادند. در میان اعضای انجمن برخی از محققان، ادیبان و هنرمندان مشهور عصر - مانند ادوارد هرن آلن، ادموند گاس، اندرو لنگ، تامس هاردی، ماکس بئر بوم، لارنس آلما تادما، آرتور رکهم، ج. ک. چسترتن، آرتور کانن

1. John Ruskin
2. Algernon Charles Swinburn
3. George Meredith
4. Georgiana

دوئل، آلدوکس هاكسلی، و ویلیام باتلر یتز — بودند که به اشاعه رباعیات کمک کردند. فعالیت اصلی اعضای انجمن لندن این بود که دو نوبت در سال برای صرف شام و گرامیداشت یاد و نام خیام و فیتزجرالد و خواندن رباعیات دور هم جمع می شدند. انجمن لندن دو کتاب به ترتیب در سال ۱۹۱۰ و ۱۹۳۱ با مشارکت اعضایش منتشر کرد و به پراکنش بیش از پیش رباعیات دامن زد. گفتنی است که از سال ۱۹۱۰ به بعد زنان نیز مجاز بودند در ضیافت‌های خاص انجمن به عنوان میهمان حاضر شوند. این امر سبب شد که زنان فرهیخته و متعلق به طبقه بالادست جامعه نیز در ترویج این اثر گامی، ولو اندک، بردارند.

۴. ۵. ناشران و مؤسسه‌های انتشاراتی

ناشران و مؤسسه‌های انتشاراتی نقش مهمی در شناساندن یک اثر ادبی دارند. مثلاً در جهان غرب، در روزگار ما، اگر ناشر بزرگی مثل گالیمار^۱ یا پنگوئن^۲ ترجمه اثری را منتشر کند بی تردید گام مهمی در اشاعه آن برداشته است. در سال ۱۸۸۳ فیتزجرالد درگذشت و میراثی گرانبها و مانا برای ادبیات انگلیسی از خود بر جای گذاشت. رایت^۳، دوست نزدیک و وصی ادبی فیتزجرالد، پس از مرگ او در یک قوطی حلبی ویرایش چهارم رباعیات را پیدا کرد که فیتزجرالد در آن نیز تغییراتی انجام داده بود. این چاپ، پنجمین و آخرین متن تجدیدنظر شده رباعیات بود که در سال ۱۸۸۹ در کتاب *نامه‌ها و آثار پراکنده [ادوارد فیتزجرالد]*^۴ به اهتمام رایت منتشر شد. برای اولین بار نام فیتزجرالد به عنوان مترجم رباعیات بر آن ذکر شد و انتشار این اثر سه جلدی توسط انتشارات مک‌میلان به سهم خود در رواج رباعیات تأثیرگذار بود، اما شهرت واقعی رباعیات در انگلستان یک سال بعد آغاز شد، یعنی زمانی که در سال ۱۸۹۰ انتشارات مک‌میلان اولین چاپ مجزای شعر فیتزجرالد را منتشر کرد. این امر اتفاق مبارکی برای فیتزجرالد بود، زیرا متن‌فدترین و معروف‌ترین ناشر انگلستان اثر

1. Gallimard
2. Penguin
3. William Aldis Wright
4. Letters and Literary Remains of Edward FitzGerald

فیتزجرالد را در کنار آثار ویلیام شکسپیر و آلفرد لرد تینسن چاپ کرده بود. ظرف ده سال این چاپ موجز جلد چرمی مک‌میلان سیزده بار تجدید چاپ شد. افزون بر این، در سال ۱۸۹۹ اتفاق خوب دیگری برای رباعیات عمر خیام فیتزجرالد افتاد، و آن این بود که شرکت انتشاراتی مک‌میلان، بعد از چاپ‌های مکرر از رباعیات، این کتاب را در شمار مجموعه گلدن ترزری^۱ [گنجینه زرین] خود قرار داد. این واقعه‌ای بس خوشایند برای رباعیات بود زیرا معروف‌ترین و مهم‌ترین شرکت انتشاراتی انگلستان در آن روزگار به این کار همت گماشته بود. به خاطر تقاضای مکرر مخاطبان آنان مجبور شدند در آن سال سه بار این اثر را تجدید چاپ کنند، و این اثر از آن زمان به بعد همواره خواهان داشته است. بی‌گمان، رواج کم‌نظیر رباعیات تا حدی مرهون این دو ناشر بزرگ و معتبر آن دوران است.

۶.۴. نظیره‌ها و نقیضه‌ها^۲

قبل از پرداختن به این بخش بهتر است به اختصار این دو اصطلاح ادبی تعریف کنیم. نظیره عبارت است از آثاری که به تقلید اثری دوران‌ساز سروده یا نوشته می‌شود. نقیضه که در فنون و صناعات انگلیسی به آن پارودی می‌گویند در اصطلاح ادبی عبارت است از تقلید طنزگونه از یک اثر ادبی یا هنری. پس از انتشار ترجمه فیتزجرالد، و مقبول طبع مردم واقع شدن، نویسندگان و شاعران مختلفی دست به سرایش نظیره‌ها و نقیضه‌هایی بر این اثر او زدند. یوس بیخستراتن^۳، فیتزجرالدپژوه برجسته هلندی، در این زمینه مقاله ارزشمندی نوشته است. اگرچه هیچ‌کدام از این نقیضه‌ها به اندازه اثر فیتزجرالد موفقیت‌آمیز نبودند (بیخستراتن، ۲۰۰۵، ۲۰۰۵، ص. ۷)، اما دست کم به اشتها آن کمک شایانی کردند. یکی از این نقیضه‌ها به قلم مارک تواین^۴، نویسنده پُرآوازه آمریکایی، است. مارک تواین اولین بار در دهه ۱۸۷۰ از

1. Golden Treasury Series
2. literary parallels and parodies
3. Jos Biegstraaten
4. Mark Twain

رهگذر پدر روحانی جوزف تویچل^۱ با رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد آشنا شد. طولی نکشید تواین دلبسته رباعیات شد و در صدد برآمد تا مجلدی از این ترجمه را به دست آورد. او در سال ۱۸۹۹ در نامه‌ای به دوستی، خودش را «غلام حلقه‌به‌گوش خیام فیتزجرالد» خواند. وی در سال ۱۹۰۷ با صراحت گفت: «هیچ شعری قبلاً تا این اندازه مرا خوشحال نکرده است، این تنها شعری است که همیشه همراه خودم داشته‌ام، بیست و هشت سال است که این شعر رفیقِ راه من است» (امین‌رضوی، ۲۰۱۴، ص. ۲۵۰). رباعیات در زندگی شخصی و شاعرانه تواین نقش مهمی داشت. در سال ۱۸۹۹ مارک تواین تحت نفوذ ترجمه فیتزجرالد و در پی مصائب مختلف زندگی شخصی‌اش بر آن شد نظیره‌ای (بهتر است بگویم نقیضه‌ای) بر رباعیات بسراید. محصول کار او چهل و پنج رباعی با عنوان «رباعیات ممتاز عهد شباب»^۲ است. از آنجایی که تواین نویسنده مشهوری بود، طولی نکشید که اثر او علاوه بر هموطنان آمریکایی‌اش توجه بسیاری از مردم انگلستان را برانگیخت و از این طریق بر شهرتِ بیش از پیش رباعیات افزود (امین‌رضوی، ۲۰۱۳، ص. ۲۴۷).

۴. ۷. چاپ‌های مصور

اثر ادبی ممکن است به اشکال مختلف (معمولی، نفیس، کاغدی، گالینگور، و مصور) چاپ شود. مراد از چاپ مصور در قلمرو ادبی چاپی است که همراه با تصاویر و نقاشی‌های هنری همراه باشد. چاپ‌های مصور به واسطه جذابیتی که دارند افزون بر خوانندگان معمولی می‌توانند توجه برخی از مجموعه‌داران، کتاب‌دوستان، و هنرمندان دیگر حوزه‌ها را نیز به خود جلب کنند و اثر منظور را بیش از پیش بر سر زبان‌ها بیاندازند. رباعیات عمر خیام این بخت بلند را داشته است که چاپ‌های مصور متعدد و متنوعی از آن منتشر شود. مثلاً در سال ۱۸۸۴ الیهو ودر^۳، نقاش آمریکایی، براساس چاپ سوم رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد (۱۸۷۲) مجلد مصوری

1. Joseph Twichell

2. Age —A Rubaiyat

3. Elihu Vedder

روانه بازار نشر کرد. چاپ او در جلدی جذاب و مزین به ۵۶ نقاشی منتشر شد که غوغایی به پا کرد و بر محبوبیت عام این اثر بیش از پیش افزود. نمایش نقاشی‌های اصلی در آرتز کلاب بوستن^۱ (باشگاه هنری بوستون) روزانه تا ۲۱۰۰ بازدیدکننده داشت. چاپ کتاب در شش روز تمام شد و چندین بار تجدید چاپ شد (بیخستراتن، ۲۰۰۸).

۴. ۸. چاپ‌های غیرمجاز^۲

چاپ‌های غیرمجاز که به دلایل مختلف منتشر می‌شوند، یکی دیگر از عواملی است می‌توانند در پذیرش اثری تأثیر بگذارند. دو چاپ غیرمجاز از رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد در انگلستان و آمریکا منتشر شد که بهنگام بودند و به پراکنش آن کمک زیادی کردند: چاپ مدرّس و چاپ اوهایو. وایتلی استوکس^۳، اولین مروج رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد، نقش بسیار مهمی در ترویج این اثر ایفا کرد. استوکس در رواج رباعیات در میان آزاداندیشان، سکولارها و مخالفان منافع امپراتوری در هند سهم بزرگی داشت. داستان از این قرار است که در سال ۱۸۶۲ استوکس، به امید آینده شغلی بهتری، وارد مدرّس هندوستان شد. استوکس نسخه ارزشمند رباعیات را که از کتابفروشی کوارچ خریداری کرده بود همراه خود داشت و در صدد کاشتن بذر شهرت آتی آن برآمد. استوکس به محض ورودش رباعیات را به سرگرد تامس ایوانس بل^۴ نشان داد. در آن ایام بل منشی افتخاری انجمن ادبی مدرس هندوستان بود. سرگرد بل نه تنها عاشق شعر و ادب بود، بلکه فرد سکولار متعهدی بود که ایده تأسیس حزب سکولار رادیکال در انگلستان را نیز اشاعه داده بود. بل پس از خواندن رباعیات مفتون فلسفه آزاداندیشانه و ایمازهای متنوع آن شد. از آنجایی که کتاب در دسترس نبود، در سال ۱۸۶۲ استوکس و بل تصمیم به تجدید چاپ آن به‌طور خصوصی و غیرقانونی (در پنجاه نسخه) گرفتند. بل نسخه‌ای از این چاپ

1. Arts Club, Boston
2. pirated editions
3. Whitely Stokes
4. Thomas Evans Bell

غیرقانونی (چاپ مَدْرَس) را برای همکار نزدیکش هالی اوک^۱ فرستاد. او که از سکولاریست‌های پیشرو روزگار خودش بود این کتاب را سخت پسندید، زیرا به‌زعم او این اثر وسیعاً و با زبان پخته اصول اساسی مسیحیت را تکذیب می‌کرد. بنابراین، او خواندن آن را به همپالکی‌های خویش توصیه کرد و آن را در میان آزاداندیشان رواج داد. چاپ مَدْرَس در لندن ۱۸۶۳ طرفداران زیادی پیدا کرد، خاصه در میان اصول‌گرایانی که برای آرمان‌هایی نظیر آزادی ایتالیا، حق رأی زنان، و مهم‌تر از همه اصلاحات هندوستان می‌جنگیدند. بنابراین، چاپ مَدْرَس نقش مهمی در رواج رباعیات در میان آزاداندیشان، فعالان سیاسی و مخالفان منافع استعماری ایفا کرد (پول، ۲۰۱۳، ص. ۹۷).

چنان‌که آمد نورتن در سال ۱۸۶۹ کتاب‌گزاری تمجیدآمیزی بر چاپ دوم فیتزجرالد (۱۸۶۸) نوشت. این مقاله نه‌تنها توجه بسیاری از آمریکایی‌ها بلکه علاقه‌شمار چشمگیری از خوانندگان انگلیسی را نیز برانگیخت. بنابراین بسیاری از علاقه‌مندان کوشیدند تا نسخه‌ای از آن را تهیه کنند. از آنجایی که این ترجمه نایاب بود براساس نسخه ۱۸۶۸ در کلمبوس اُهایو^۲ در سال ۱۸۷۰ چاپ غیرمجازی از آن منتشر شد. این چاپ غیرمجاز به میان خیل انبوه طرفداران رباعیات در آمریکا، که نسبت بدان اشتیاق و علاقه فزاینده‌ای داشتند، راه یافت و به شهرت بیشتر آن انجامید.

۵. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر علی‌رغم محدودیت‌های بسیار، مثل دسترسی به آرشیو مجلات قرن نوزده، نکات ارزشمندی در باب اقبال به رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد به دست آمد. عوامل متعددی را که تطبیق‌گران برای بررسی پذیرش اثر ادبی در فرهنگ مقصد توصیه می‌کنند اعمال کردیم. نتایج نشان می‌دهد که مجموع این عوامل مسیر مقبولیت رباعیات عمر خیام در انگلستان عصر ویکتوریا را هموارتر کردند.

1. George Jacob Holyoake

2. Columbus, Ohio

پذیرش ادبی یعنی بررسی عواملی که منجر به مقبولیت یا عدم مقبولیت یک اثر در فرهنگ مقصد می‌شود. تطبیق‌گران این عوامل را دسته‌بندی کرده‌اند. معمولاً این عواملی از اثری به اثر دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متغیر است. مطابق یافته‌های تحقیق حاضر رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد در انگلستان عصر ویکتوریا با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بوده است. چنان‌که ملاحظه کردید، در ابتدا وقفه‌ای دوساله در پذیرش آن به وجود آمد و این ترجمه، برخلاف توقع مترجم، توجه کسی را به خود جلب نکرد، تا اینکه اندکی بعد وایتلی استوکس این ترجمه را کشف و به پیش‌رافائیلیان معرفی کرد و آنان نیز آن را در محافل ادبی رواج و گسترش دادند. به بیان دقیق‌تر، این ترجمه از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۸ چندان مقبول واقع نیفتاد. تقریباً یک دهه بعد بود که فیتزجرالد بر آن شد چاپ دوم آن را با جرح و تعدیل‌ها و افزودن‌ها و کاستن‌هایی، روانه بازار نشر کند. وی در این مجلد شمار رباعیات را به ۱۱۰ مورد افزایش داد تا مجال بیشتری به بیان اندیشه‌های خیام بدهد. رباعیات عمر خیام پس از انتشار چاپ دوم و سوم مورد توجه و اقبال بی‌سابقه‌ای قرار گرفت، و نه تنها انگلستان بلکه به تدریج جهان غرب را در نوردید. عوامل مختلفی باعث و بانی این توفیق چشمگیر ادبی بود. این عوامل هم درون‌متنی و هم برون‌متنی بودند. پاره‌ای از این عوامل عبارت‌اند از: کیفیت ترجمه، کتابگزاری‌های ادبی، تقریظ‌های اهل قلم، انجمن‌های ادبی و هنری، ناشران، نظیره‌ها و نقیصه‌ها، چاپ‌های غیرمجاز، و چاپ‌های مصور. این عوامل جملگی دست به دست هم دادند و در اشاعه و گسترش این ترجمه نقش انکارناپذیری ایفا کردند. با این که رباعیات عمر خیام فیتزجرالد در ابتدا مورد توجه کسی واقع نشد، «اما پس از کشف هرگز در محاق فراموشی نیفتاد و سرانجام در زمره آثار برتر ادبیات انگلیسی قرار گرفت» (باسنت، ۲۰۱۴، ص. ۹۴).

کتابنامه

امین رضوی، م. (۱۳۸۷). صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری. ترجمه مجددالدین کیوانی. تهران: سخن.

- انوشیروانی، ع.، و حسینی، م. (۱۳۹۳). رباعیات عمر خیام فیتزجرالد و گفتمان مذهبی عصر ویکتوریا. *نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۹(۱۳)، ۵۱-۶۸.
- پراور، ز. س. (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*. ترجمه علی رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی. تهران: سمت.
- حسینی، م. (۱۳۹۵). نقدی بر ترجمه مدخلی از دانشنامه ایرانیکا. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۹(۲)، ۱۱۳-۱۲۸.
- ذکاوتی قراگزلو، ع. (۱۳۷۹). عمر خیام (حکیم و شاعر). تهران: طرح نو.
- شریفی، ا.، هاشمی، م.، و فتوحی رودمعجنی، م. (۱۳۹۷). بررسی سپهر گفتمان در ترجمه بارکس از اشعار مثنوی مولانا. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۱(۱)، ۱-۱۷.
- مینوی، م. (۱۳۸۳). *پانزده گفتار*. تهران: طوس.
- یوسفی، غ. (۱۳۸۸). *چشمه روشن (دیداری با شاعران)*. تهران: سخن.

- Aminrazavi, M. (2005). *The wine of wisdom: The life, poetry and philosophy of Omar Khayyam*. Oxford, England: Oneworld.
- Aminrazavi, M. (2013). *Sufism and American literary masters*. New York, NY: Suny Press.
- Arberry, A. J. (1956). *Salaman and Abasl: A study*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Arberry, A. J. (1959). *The romance of the Rubaiyat*. New York, NY: The Macmillan Company.
- Bassnett, S. (2014). *Translation*. London, England: Routledge.
- Biegstraaten, J. (2004). Omar with a smile: Parodies in books on Fitzgerald's rubáiyát of omar khayyám. *Persica*, 20, 1- 37.
- Biegstraaten, J. (2008). Omar Khayyam's impact on literature and society in the west. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopædia Iranica*. Retrieved from [http:// www.iranicaonline.org/articles/khayyam-xi](http://www.iranicaonline.org/articles/khayyam-xi)
- Genette, E. (1997). *Threshold of interpretation* (J. E. Lewin, Trans.). Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Jost, F. (1974). *Introduction to comparative literature*. New York, NY: The Bobbs-Merrill Company.
- Maine, G. F. (1947). *Rubaiyat of Omar Khayyam*. London, England: Collins.
- Munday, J. (2008). *Introducing translation studies: theories and applications*. New York, NY: Routledge.
- Norton, C. N. (1869). Les quatrains de khèyam, traduits du persan by J. B. Nicolas; Rubáiyát of Omar Khayyám, the astronomer-poet of Persia. *The North American Review*, 109(225), 565-584.

- Poole, A., van Ruymbeke, C., Martin, W. H., & Mason, S. (2013). *Fitzgerald's rubaiyat of Omar Khayyam: Popularity and neglect*. London, England: Anthem.
- Prawer, S. S. (1973). *Comparative literary studies: An introduction*. London, England: Gerald Duckworth & Co. Ltd.

